

فصلنامه تخصصی اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی

دوره سوم، سال سوم، شماره سوم و چهارم، پاییز - زمستان ۱۳۹۷ [انتشار: پاییز ۱۳۹۹]

سرمسختن: اندر نگاهداشت جانب اهل وفا • تلفظ صامت‌های عربی «ض» و «ظ» در زبان فارسی / علی‌اشرف صادقی • درباره تاریخ تألیف نزهة المجالس جمال‌الدین خلیل شروانی و نمونه خط شمس‌الدین جونی اول / عبداللّٰه شیخ‌الحکامی • رباعیات خیتام، بررسی دستنویس محمد قوام / سید علی میرافشلی / نسخه‌های تازه‌یافت از معدن‌الذکر در مجارستان / عارف نوشاهی • اشعار کافی ظفر در سفینه صائب / محسن ذاکر‌الحسنی «پوند» • ابیاتی نویافته از آخرین نامه ابوشکور بلخی / سید محمدحسین حکیم • شهید بلخی، شاعر و فیلسوف هم‌عصر رازی / فرانسوا بلوا، ترجمه: میرسالار رضوی • یادگار تصویری چاپ سنگی زیارت کربلای معلى / علی بودری • دگرگونی دو وزن دوری‌شده، بررسی تاریخی و تحلیل موسیقایی / بهرام بنائی • معرفی و تصحیح فرستامه‌ای کهن / یاسین اسماعیلی • ترجمه‌ای کهن از قصیده نوبه ابوالفتح بستی / فاطمه شاملو • مجله مولانا رومی (جلد ۲۰، ۲۱) / مجالدین کیوانی • شعر تغزلی فارسی در دوران کلاسیک، ۸۰۰-۱۵۰۰: غزل، قصیده و رباعی / مجالدین کیوانی • دستور الملوک میرزا رفیعا با ملاحظاتی درباره دو متن مشابه آن / علی صفری آق‌قلعه • نگاهی به فرهنگنامه توصیفی پزشکی در شعر کهن فارسی / اکبر حیدرانی • نگاهی به تصحیح خلاصه الاشعار و زیادة الافکار (بخش قزوین، گیلان و دارلرز و نوا) / مرتضی موسوی • نقد و بررسی دیوان اشعار شهاب‌الدین عماد بخارایی / محسن شریفی صحنی • مروری بر کتاب ان‌لئون در عرصه علم و سیاست / هدیه رهبری • ریشه‌شناس چه می‌کند؟ (۵) / ستایش دشتی • آثار پیکوی ابراهیم افندی / نصرالله صالحی • چند نکته درباره ابوعلی تیرانی (تیرانی) / اکبر نعمی • ابوعلی تیرانی، صاحب کتاب المصداق / سید احمدرضا قائم‌مقامی • عبید با عبید زاکانی، درنگی بر اشعار منسوب به عبید در مجموعه لطایف و سفینه ظرایف / فرنام حقیقی • خودنقادی، ذیلی بر مقاله پیشین نگارنده / محسن شریفی صحنی



فهرست

سر سخن

اندر نگاهداشت جانب اهل وفا..... ۴-۳

جستار

تلفظ صامت‌های عربی «ض» و «ظ» در زبان فارسی / علی‌اشرف صادقی..... ۱۲-۵
 درباره تاریخ تألیف نزهة المجالس جمال‌الدین خلیل شروانی و نمونه خط شمس‌الدین
 جوینی اول / عمادالدین شیخ‌الحکمایی..... ۱۵-۱۳
 رباعیات خیتام، بررسی دستنویس محمد قوام / سیدعلی میرافضلی..... ۲۲-۱۶
 نسخه‌ای تازه یافت از معدن الدرر در مجارستان / عارف نوشاهی..... ۲۶-۲۳
 اشعار کافی ظفر در سفینه صائب / محسن ذاکر الحسینی «پرنده»..... ۲۸-۲۷
 ابیاتی نویافته از آخرین نامه ابوشکور بلخی / سید محمدحسین حکیم..... ۳۲-۲۹
 شهید بلخی، شاعر و فیلسوف هم عصر رازی / فرانسوا دیلو؛ ترجمه: میرسالار رضوی..... ۳۹-۳۳
 یادگار تصویری چاپ سنگی زیارت کربلای معلی / علی بوذری..... ۴۵-۴۰
 دگرگونی دو وزن دوری شده، بررسی تاریخی و تحلیل موسیقایی / بهراد بنائی..... ۵۸-۴۶
 معرفی و تصحیح فرسنامه‌ای کهن / یاسین اسماعیلی..... ۷۱-۵۹
 ترجمه‌ای کهن از قصیده نونیه ابوالفتح بستی / فاطمه شاملو..... ۸۲-۷۲

نقد و بررسی

مجله مولانا رومی (جلد نهم، ۲۰۲۰م) / مجتهدالدین کیوانی..... ۸۸-۸۳
 شعر تغزلی فارسی در دوران کلاسیک، ۸۰۰-۱۵۰۰: غزل، قصیده و رباعی / مجتهدالدین کیوانی..... ۹۴-۸۹
 دستور الملوک میرزا رفیعاً با ملاحظات دربارۀ دو متن مشابه آن / علی صفری آق‌قلعه..... ۱۰۹-۹۵
 نگاهی به فرهنگنامه توصیفی پزشکی در شعر کهن فارسی / اکبر حیدریان..... ۱۱۶-۱۱۰
 نگاهی به تصحیح خلاصه الاشعار و زیادة الافکار (بخش قزوین، گیلان و دارالمرز و نواحی آن) / مرتضی موسوی.....
 نقد و بررسی دیوان اشعار شهاب‌الدین عمیق بخارایی / محسن شریفی صحرایی..... ۱۳۴-۱۲۹
 مروری بر کتاب ان‌لمتون در عرصه علم و سیاست / هدیه رهبری..... ۱۳۶-۱۳۵

پژوهش‌های دبایستی

ریشه شناس چه می‌کند؟ (۵) / ستایش دشتی..... ۱۴۱-۱۳۷

ایران «متون و منابع عثمانی»

آثار پیجوی ابراهیم افندی / نصرالله صالحی..... ۱۴۴-۱۴۲

درباره نوسازی پشین

چند نکته درباره ابوعلی تیزانی (تیزانی) / اکبر نحوی..... ۱۴۷-۱۴۵
 ابوعلی تیزانی، صاحب کتاب المصادر / سیداحمدرضا قائم مقامی..... ۱۵۰-۱۴۸
 عبید یا عبید زاکانی، درنگی بر اشعار منسوب به عبید در مجموعه لطایف و سفینه ظرایف /
 فرزام حققی..... ۱۶۲-۱۵۱
 خودانتقادی، ذیلی بر مقاله پیشین نگارنده / محسن شریفی صحرایی..... ۱۶۴-۱۶۳

بسم الله الرحمن الرحيم



۸۴ - ۸۵

فصلنامه اطلاع‌رسانی در حوزه نقد و تصحیح
 متون، نسخه‌شناسی و ایران‌شناسی
 دوره سوم، سال سوم، شماره سوم و چهارم
 پاییز - زمستان ۱۳۹۷ [انتشار: پاییز ۱۳۹۹]

صاحب امتیاز:

مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

مدیر مسئول و سردبیر: اکبر ایرانی

معاون سردبیر: مسعود راستی‌پور

مدیر داخلی: یونس تسلیمی پاک

طراح جلد: محمود خانی

چاپ دیجیتال: میراث

نشانی مجله:

تهران، خیابان انقلاب اسلامی، بین خیابان دانشگاه و
 ابوریحان، ساختمان فروردین، شماره ۱۱۸۲، طبقه دوم.

شناسه پستی: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۶۶۴۹۰۶۱۲

دورنگار: ۶۶۴۰۶۲۵۸

www.mirasmaktoob.ir

gozaresh@mirasmaktoob.ir

بها: ۲۵۰,۰۰۰ ریال

روی جلد: شاهنامه فردوسی، نسخه تهیه شده برای
 ابراهیم میرزا تیموری، بی تا [میانۀ ۸۱۷ - ۸۳۸ ق.]،
 به‌نشانی MS. Ouseley Add. 176-017r در کتابخانه بادلین.

تصویر خط بسمله

از نسخه کتابخانه John Rylands

سیف جام سفینه‌اش را به ۱۰۱ قسم بسیار متنوع تقسیم کرده‌است. برای نمونه‌ای از فصل‌بندی‌های او چند «قسم» را ذکر می‌کنیم: «قسم اول: توحید باری عزوجل»، «قسم نوزدهم: ملمع»، «قسم سی و هفتم: مشترک لفظ»، «قسم چهل و پنجم: در صنعت تجنیسات»، «قسم هشتاد و نهم: مستزاد است»، «قسم نودم: در حساب حروف جمل»، «قسم صد و یکم: لغز معما» (سیف جام، مجموعه لطایف، کابل: ص ۳-۴؛ رک. نوشاهی، ۱۳۷۸: ۵۶-۵۸). در این سفینه از شاعران بسیاری شعر آمده‌است (سیف جام، مجموعه لطایف، کابل: ص ۴-۶؛ رک. نوشاهی، ۱۳۷۸: ۵۹-۶۳).

این سفینه از گذشته مورد توجه دانشمندان و محققان بوده‌است. نذیر احمد، سعید نفیسی، محمودخان شیرانی، امیرحسن عابدی و... برخی از محققانی هستند که از آن بهره برده‌اند (نوشاهی، ۱۳۷۸: ۵۰-۵۲؛ شاه‌مرادی، یاحقی و نوشاهی، ۱۳۹۸: ۲۶-۲۷؛ شریفی صبحی، ۱۳۹۹: ۱۱۶). از متأخران نیز عارف نوشاهی در چند مقاله در معرفی این دستنویس کوشیده‌است. در سال‌های اخیر نیز مقالاتی درباره این سفینه نوشته شده‌است، یکی «نقد عرفات‌العاشقین با تکیه بر مجموعه لطایف و سفینه ظرایف» نوشته شاه‌مرادی و همکاران اوست و دیگری مقاله شریفی صبحی که پیشتر به آن اشاره شد.

اشعار عبید در مجموعه لطایف و سفینه ظرایف

دستنویس کابل خود حاوی اسامی شاعران است، اما عارف نوشاهی در مقاله‌ای نام کامل شاعران این دستنویس و موضع ذکر نامشان را فهرست کرده‌است. طبق احصای او از عبید در سه قسم ۵، ۷ و ۸۷ شعر آمده‌است (نوشاهی، ۱۳۷۸: ۶۲). پس از او شریفی صبحی (۱۳۹۹) اشعار عبید در این سفینه را با کلیات چاپی عبید سنجیده و گفته‌است:

با بررسی مجموعه لطایف و سفینه ظرایف تعداد ۲۱ غزل و ۲ قصیده-مجموعاً شامل ۱۸۵ بیت- یافته شد که احتمالاً باید به دیوان اشعار عبید زاکانی اضافه شود. (همان: ۱۲۰)

ما در بررسی خود دستنویس کابل را اساس قرار داده‌ایم، چرا که در این بخش مورد مطالعه-همانطور که در حاشیه نمونه‌هایی خواهد آمد- هم ضبط‌های صحیح‌تری دارد و

عبید یا عبید زاکانی

درنگی بر اشعار منسوب به عبید در مجموعه لطایف و سفینه ظرایف

فرزام حقیقی

پژوهشکده علوم انسانی
farzam.haghighi@yahoo.com

در شماره ۸۲-۸۳ نشریه گزارش میراث مقاله‌ای به قلم دکتر محسن شریفی صبحی منتشر شده‌است با عنوان «اشعار نویافته عبید زاکانی در مجموعه لطایف و سفینه ظرایف». این نوشته از دو منظر برای من قابل تأمل می‌نمود: نخست اینکه قبل‌تر مقالاتی از همین دست از دکتر شریفی صبحی دیده و با دقت و نکته‌سنجی ایشان آشنا بودم، و دیگر اینکه پیشتر برای پژوهشی در باب آثار عبید مجموعه لطایف را دیده و به نتیجه‌ای متفاوت با مقاله یادشده رسیده‌بودم. نوشته شریفی صبحی مرا مجاب کرد تا دوباره مجموعه لطایف را در خواندن بگیرم. آنچه از پی خواهد آمد نتیجه تأمل دوباره در این مجموعه برای رسیدن به پاسخ این پرسش است: آیا در مجموعه لطایف شعری تازه از عبید زاکانی آمده‌است؟

پیشینه بحث

سیف جام هروی دو اثر معروف دارد: جامع‌الصنایع، که خوشبختانه متن منقح آن به تازگی به کوشش زینب صادقی‌نژاد در سلسله انتشارات بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار منتشر شده‌است، و دیگری مجموعه لطایف و سفینه ظرایف. سیف جام تا ۸۰۴ ق در این اثر بازنگری کرده‌است. از این اثر دو دستنویس بی‌تاریخ در کتابخانه‌های جهان شناخته شده‌است: یکی دستنویس لندن در کتابخانه بریتانیا و دیگری دستنویس کابل در آرشیو ملی افغانستان (نوشاهی، ۱۳۷۸: ۵۲-۵۳؛ شاه‌مرادی، ۱۳۹۸: ۲۶).

هم شریفی صحنی بخش مشابه را پیشتر در دستنویس لندن بررسی کرده‌است.

ذکر اشعاری از عبید زاکانی در این سفینه در کنار اشعاری با تخلص عبید، که در کلیات عبید زاکانی نیامده‌اند، این حدس را به ذهن متبادر می‌کند که این اشعار اخیر نیز از عبید زاکانی باشد. شریفی صحنی نیز چنین برداشتی کرده و در تأیید آن چنین استدلال کرده‌است:

۱. تناسب اشعار موجود در مجموعه لطایف و دیوان چاپی

عبید از نظر حال و هوا و مضامین مشترک؛

۲. وجود ترکیبات خاص در مقطع اشعار [همانند «بیچاره

عبید» و «عبید خسته»] به عنوان یک ویژگی شعری خاص عبید زاکانی؛

۳. مردف بودن اغلب غزل‌های مجموعه لطایف و اشعار

چاپ‌شده عبید زاکانی. (همان: ۱۱۹)

به این سه می‌توان ذکر نام عبید در دستنویس را نیز افزود (همانجا). این اشعار منسوب‌شده به عبید زاکانی شباهت‌های دیگری نیز با اشعار مسلم او دارند. برای مثال مضامین مشترکی بین این دو دیده می‌شود که در اینجا مجال پرداختن بدانها نیست. اما آیا بین اشعار آمده به نام «عبید» در این مجموعه و آنچه در کلیات عبید زاکانی آمده‌است از جهات دیگری نیز شباهت دیده می‌شود؟

دستنویس‌ها در این باب چه می‌گویند؟

ما برای مقایسه بهتر دو دستنویس کابل و لندن (با تکیه بر عنوان اشعار) جدولی طراحی کرده‌ایم، تا شباهت‌ها و تفاوت‌ها بهتر به چشم آیند. هفت ستون جدول بدین شرح است: در ستون نخست شماره‌ای آمده که بعدتر از آن به عنوان شماره شعر بهره برده‌ایم؛ در ستون دوم حروف ق، ت و غ به ترتیب نشان قصیده، ترجیع‌بند و غزل است، پس از آن بخشی از مصرع نخست هر شعر آمده‌است؛ ستون سوم و ستون پنجم، و ستون چهارم و ستون ششم متناظر یکدیگرند و موقعیت قسم و شعر در این دو دستنویس را نشان می‌دهند. با این کار موضع ذکر هر شعر به دقت روشن می‌شود و مخاطب علاقه‌مند می‌تواند به سهولت

شعر را در جای خود بیابد. از این نکته نیز نباید غافل ماند که بین این دو دستنویس یک قسم فاصله افتاده‌است، ظاهراً بدون اینکه چیزی حذف شده‌باشد. در ستون آخر «د» نشانه بودن و «ن» نشانه نبودن شعر در کلیات عبید زاکانی است. در متن جدول نیز نشانه «↑» را به این معنی آوردیم که آن موضع درست همانند ردیف بالاتر خود است (نک. جدول پیوست).

از عبید حداقل در پنج قسم این سفینه شعر آمده‌است، قسم‌های ۵، ۷، ۸۵، ۸۶ و ۸۷. نوشاهی دو قسم ۸۵ و ۸۶ را از قلم انداخته و شریفی صحنی نیز قسم ۸۷ را در نظر نداشته‌است. چه بسا با دقت بیشتر در این سفینه اشعار دیگری نیز به نام عبید یافت شود.

عنوان اشعاری که در این سفینه نام شاعر در آن آمده‌است، به دو صورت «عبید» و «عبید زاکانی» است. عنوان اشعار ردیف‌های ۱ و ۳۰ در هر دو دستنویس و ردیف ۷- این بخش در تصویر دستنویس کابل افتاده‌است- ۲۹ و ۳۱ در دستنویس لندن «عبید زاکانی» است و اشعار ردیف‌های ۵ و ۲۸ در هر دو دستنویس و ردیف‌های ۸، ۲۹ و ۳۱ در دستنویس کابل و ۶ در دستنویس لندن به نام «عبید» آمده‌اند. بالاتر آمد که شریفی صحنی از این میان «۲۱ غزل و ۲ قصیده» را در کلیات عبید زاکانی ندیده‌است. با نگاه به جدول پیوست و عنوان اشعار نکته‌ای مشخص می‌شود: در اشعاری که عنوان دارند و در کلیات عبید زاکانی آمده‌اند، کاتبان هر دو دستنویس، نام و نسب وی را ذکر کرده‌اند. در اینجا تنها استثنا ردیف‌های ۲۹ و ۳۱ در دستنویس کابل است که کاتب نام شاعر را به اختصار «عبید» آورده‌است، حال آنکه کاتب دستنویس لندن نسبت «زاکانی» را به آن افزوده‌است. گویا این کاتبان قاعده‌ای را رعایت کرده‌اند: ایشان اشعار عبید زاکانی را، که مشهور و در دیوانش موجود بوده، به نام «عبید زاکانی» و آنچه را در دیوان او نبوده‌است به نام «عبید» آورده‌اند.

مهم‌ترین بخش این سفینه، از این منظر، جایی است که ۲۰ غزل عبید پشت هم آمده‌است (سیف جام، مجموعه لطایف، کابل: ص ۴۸۵-۴۹۱؛ همان، لندن: گ ۲۷۱ پ- ۲۷۴ پ). غزل نخست در دستنویس لندن عنوان ندارد و بالطبع ۱۹ غزل

بعد نیز با «وله» به شاعر غزل نخست نسبت داده شده‌اند. شریفی صحنی به همین علت حدس زده‌است:

احتمالاً آغاز این غزل‌ها و برگ پیش از ۲۷۱ پ که پس از اشعار حافظ وصالی شده افتاده و نام شاعر از بین رفته‌است. (شریفی صحنی، ۱۳۹۹: ۱۱۷)

حال آنکه مقایسه این بخش با دستنویس کابل نشان می‌دهد برگگی نیفتاده‌است و در آن دستنویس، در عنوان غزل نخست چنین آمده‌است: «خواجه عبید راست علیه الرحمه». آیا می‌توان این دقت کاتبان را معنادار دانست؟ یعنی ایشان بین عبید و عبید زاکانی تفاوت قائل بوده‌اند؟

عبید زاکانی و عبید دیگر

بنا بر آنچه نذیر احمد در مقاله «شعرای گمنام عصر خلجی و تغلق» گفته، شاعری به نام «عبید» در دربار خلجیان (۶۸۹-۷۲۰ ق) و تغلق‌شاهیان (۷۲۰-۸۱۵ ق) می‌زیسته‌است. برنی در تاریخ فیروزشاهی (تألیف ۷۵۸ ق) دو بار از عبید شاعر یاد کرده‌است: بار نخست جایی که عبید را حکیم و از شاعران دوره علاءالدین خلجی (۶۹۵-۷۱۶ ق) دانسته‌است (برنی، ۱۸۶۲: ۳۶۰) و بار دیگر به توسع بیشتری از حضور وی در دوره غیاث‌الدین تغلق‌شاه (۷۲۰-۷۲۵ ق)، محاصره قلعه‌ای و سپس کشته شدن این عبید سخن گفته‌است (همان: ۴۴۶-۴۴۹). نذیر احمد این بخش از نوشته برنی را در مقاله خود آورده و منابع دیگر را معرفی کرده‌است (نذیر احمد، ۱۳۷۳: ۴۵۳۶-۴۵۳۹). ما این واقعه را از تاریخ مبارک‌شاهی (تألیف ۸۳۸ ق) نقل می‌کنیم (رسم الخط و علائم سجاوندی را اصلاح کرده‌ایم):

و ارنکل را دو حصار است سنگین و گلی، و هر دو در غایت استحکامی. چون الغ خان حصار گلی را محصر کرد فرمود تا ولایت تلنگ را نهب و تاراج کنند، غنایم و علف به جهت لشکر بیارند. بدین سبب لشکر را در مایحتاج وسعتی پیدا آمد. در کار حصارگیری به دل و جان سعی می‌نمودند. جنگ‌های مردانه از طرفین سخت می‌شد و آدمیان از جانبین کشته می‌شدند. چون چند روز برآمد، عبید شاعر سبب نارسیدن خبر دهلی آوازه کرد که سلطان غیاث‌الدین نماند و به رحمت حق پیوست. امرا و ملوک، چنانکه ملک تکین و امرای دیگر،

را اشتعال کرد تا الغ خان را بکشند و بلغاک کنند. الغ خان را از این حال خبر شد. با پنجاه نفر سوار از آنجا بیرون آمد. امرای حرام‌خوار همه از آنجا هرکسی به جانب اقطاعات خود رفتند. چون الغ خان به کوچ متواتر در حضرت آمد و حال به تمام عرضه داشت، سلطان فرمان‌ها فرستاد تا هرکجا که ایشان را دریابند بکشند [...] سلطان همه را از عورات و مرد و خرد و بزرگ پیش داخل دارالخلافه در زیر پای پیل انداخت و عبید شاعر را واژگونه بر دار کردند.

چنین روایت می‌کنند راویان اخبار که این عبید شاعر از ملازمان و خدمتگاران شیخ الاسلام شیخ نظام الحق و الشرع و الدین بود و با امیر خسرو دایما عکس می‌کردی. به سبب آن خاطر عاطر شیخ‌المشایخ متردد می‌شد. در این اثنا هنودی پیش آمد و مسلمان شد. شیخ نظام‌الدین او را تربیت می‌کرد. یک روز او را دو مسواک دادند. آن نومسلمان عبید را پرسید که این مسواک را به چه طریق کنم؟ آن بدبخت گفت یکی در دهن کند و یکی در کون. او هر روز همچنین می‌کرد، تا دبر او آماسیده گشت. یک روز پیش شیخ‌المشایخ غمگین آمد و گفت ای شیخ دو مسواک که شما لطف فرموده بودید یکی به غایت خوب است که در دهن می‌کنم و دومی نهایت بد است که در دبر می‌کنم. بشره شیخ‌المشایخ متغیر گشت. فرمود که این چنین کردن ترا که آموخت؟ گفت عبید شاعر. فی الحال شیخ از زبان دربار فرمودند که ای عبید با چوب بازی می‌کنی. از آن بار هر یکی دانستند که این شخص را بر دار خواهند کرد تا سخن شیخ به نفاذ رسید و این قصه در سنه اربع و عشرين و سبعمائه بود که الغ خان را باز در تلنگ نامزد کردند. (سرهندي، ۱۳۸۲: ۹۳-۹۵)

در اجزای این روایت در متن‌ها قدری تفاوت دیده می‌شود که در بحث ما اهمیت چندانی ندارد. برای نمونه اکثراً کشته شدن عبید را بر دار دانسته‌اند (برنی، ۱۸۶۲: ۴۴۹؛ بدرخزانه‌ای، شرح مخزن الاسرار، مجلس: ص ۷۹؛ سپهرندی، ۱۳۸۲: ۹۴)، اما بداؤنی آورده که عبید را زیر پای فیل انداخته‌اند (بداؤنی، ۱۳۸۰: ۱۵۴/۱).

در تاریخ فرشته (تألیف ۱۰۱۵ ق) اطلاعات متفاوتی درباره این عبید آمده که شایان تأمل بیشتر است. نخست اینکه فرشته او را از شاعران معاشر سلطان محمد تغلق‌شاه (حک ۷۲۵-۷۵۲) گفته و دیگر اینکه او را زاکانی دانسته‌است: در ایام پادشاهی نیز اکثر اوقات او صرف معقولات

فلسفه می‌شد و با سعد منطقی و عبید شاعر و نجم انتشار و مولانا علم‌الدین شیرازی و دیگر علمای حکیم طبیعت مجالست نموده، حرف کتب متقدمین در میان آوردی. و این عبید نه عبید شاعر مشهور است، نهایتش این نیز هزال و شاعر بی‌باک و زاکانی بوده. (فرشته، ۱۳۸۷: ۴۴۷-۴۴۸)

فرشته بنا بر حکایاتی شبیه به آنچه تاریخ مبارک‌شاهی آورده، عبید را «هزال» و «بی‌باک» دانسته‌است. اما آنچه درباره‌ی زمان حیات وی و انتسابش به زاکان آورده‌است، در منابع پیشین نیست و صحیح نمی‌نماید. از این عبید دو بیت نیز به جای مانده‌است: نخست در شرح مخزن‌الاسرار (تألیف ۷۹۵ق) بدر خزانه‌ای:

بگردان روی ازین آینه‌ها تا مرد خوانند
که زن چون آینه بیند کند عزم رخ‌آرایی
(بدر خزانه‌ای، شرح مخزن‌الاسرار، مجلس: ۱۲۵)

و دیگر در منتخب‌التواریخ بداؤنی (تألیف ۱۰۰۴ق):

غلط افتاد خسرو را ز خامی
که سبکا پخت در دیگ نظامی

(بداؤنی، ۱۳۸۰: ۱۵۴)

نذیر احمد سبک این شاعر را «طرزی جداگانه» از عبید زاکانی دانسته‌است (نذیر احمد، ۱۳۷۳: ۴۵۳۹؛ نیز رک. شریفی صحنی، ۱۳۹۹: ۱۱۸).

پس این عبید در ۷۲۱ق کشته شده، حال آنکه عبید زاکانی نزدیک به پنجاه سال پس از این نیز زنده بوده‌است. برای نمونه، او از کتابت اشجار و اثمار علی‌شاه بن محمد بن قاسم خوارزمی معروف به علاء بخاری (۶۲۳-۶۹۱ق؟)، در ۲۱ محرم ۷۶۷ق فراغت یافته‌است (اقبال، ۱۳۲۱: ز-ح).^۲ افزون بر این، عبید زاکانی در قصیده‌ای «در مدح شاه شجاع» از «فتح صفاهان» سخن گفته‌است (عبید، ۱۹۹۹م: ۹) که این فتح در ۱۷ ذی‌الحجه ۷۶۸ق واقع شده‌است (غنی،

۱. جالب اینکه عبید زاکانی، بنا بر اشعارش، شعر نظامی را بسیار دوست داشته‌است. می‌توان گفت پس از سعدی و هم‌طراز با فردوسی بیش از همه مثنوی‌های نظامی را مطمح نظر داشته‌است. عبید آشکارا در عشاق‌نامه به خسرو و شیرین توجه داشته‌است و در این منظومه هم به صراحت و هم به کنایه نام نظامی را آورده‌است (عبید زاکانی، ۱۹۹۹م: ۱۶۰، ۱۶۲).
۲. قزوینی نیز در انتساب این نسخه به عبید تردیدی نکرده (قزوینی، ۱۳۶۳: ۱۳۰-۱۲۸/۹) و افشار نیز انتشار نسخه‌برگردان آن را پیشنهاد کرده‌است (افشار، ۱۳۸۴: ۴۷).

۱۳۸۳: ۲۷۱/۱). پس تردیدی نیست که با عبید دیگری مواجه هستیم. همانطور که پیشتر نیز توجه کرده‌اند (شریفی صحنی، ۱۳۹۹: ۱۱۸)، در فرهنگ سخنوران با استناد به طبقات اکبری عبید دهلوی را معرفی کرده‌اند (خیام‌پور، ۱۳۶۸: ۲/ ۶۲۴).^۳ حال باید به پرسش اصلی این مقاله پرداخت: اشعار آمده به نام عبید در مجموعه لطایف از کدام عبید است؟

آیا این اشعار از عبید زاکانی است؟

تا اینجا روشن شد که ما با دو عبید مواجهیم. در ابتدای مقاله دلایلی در تأیید انتساب این اشعار به عبید زاکانی ذکر شد، اما آیا دلیلی بر رد این انتساب در دست است؟

۱. ممدوح قصاید: خواجه علاء‌الدین محمد یا علاء‌الدین خلجی به گمان ما مهم‌ترین دلیل در رد انتساب این اشعار، خاصه دو قصیده مذکور، به عبید زاکانی را می‌توان در نام ممدوح این قصاید دید. در مقاله گزارش میراث آمده‌است:

ممدوح قصیده علاء‌الدین نام دارد و محتمل است خواجه علاء‌الدین محمد باشد که عباس اقبال در مقدمه خود بر دیوان عبید از این خواجه نام برده و گفته عبید کتاب نوادر الامثال خود را به او تقدیم کرده‌است. به زعم اقبال، عبید در اشعار خود ذکری از نام خواجه علاء‌الدین محمد نکرده‌است، لیکن در بیت پایانی یکی از قطعات دیوان مصحح محجوب چنین آمده‌است:

خواجه عماد دولت و دین آن‌که از کفش
هرگز کسی ندید به گیتی سزای قرض

در نسخه بدلی که محجوب برای این بیت ذکر کرده، به جای خواجه عماد دولت، خواجه علاء دولت آمده‌است که باید همان خواجه علاء‌الدین محمد باشد. این امور، یعنی ذکر نام عبید در عنوان قصاید، ذکر تخلص عبید در اولین قصیده و نیز ذکر نام ممدوح وی در دو قصیده، انتساب این دو قصیده را به عبید تقویت می‌کند. (شریفی صحنی، ۱۳۹۹: ۱۲۰)

آنچه درباره‌ی مدح «علاء‌الدین» نوشته‌اند درست است، اما این ممدوح نمی‌توانسته «خواجه علاء‌الدین» باشد،

۳. هرچند در طبقات اکبری اشاره‌ای افزون بر این نیست که «عبید حکیم» از شاعران دربار علاء‌الدین خلجی بوده (نظام‌الدین احمد هروی، ۱۹۲۷م: ۱۷۲).

چرا که شاعر در این دو قصیده به صراحت وی را شاه دانسته و ملائمت این جایگاه را برای ممدوح آورده است:

ای کمال سلطنت از فضل یزدان یافته
آنچه از حق خواسته بی هیچ نقصان یافته
شه علاءالدین [و] دنیا آفتاب تیغ زن
مشرق و مغرب به زیر خط فرمان یافته
ثانی اسکندری آیینہ جام روشنت
هم خضر را دیده و هم آب حیوان یافته
و در قصیده دوم:

شکر ایزد را که سلطان جملگی عالم گرفت
ملک کیخسرو گشاد و تختگاه جم گرفت
شه علاءالدین و دنیا کز برای خدمتش
مهر و مه رو بر زمین آورد و گردون خم گرفت
ای شهنشاهی که اندر پایگاهت آسمان
روز و شب را در طویله ابلق [و] ادهم گرفت

اما این علاءالدین شاه که بوده است؟ در این اشعار اشاره‌ای هست که با دیگر نشانه‌ها تطابق دارد: «اسکندر ثانی». این لقبی بود که علاءالدین خلجی برای خود برگزیده بود و آن را بر سکه وی نوشته بودند (امیر خسرو دهلوی، ۱۹۲۷ م: ۷۲-۷۳؛ نظام‌الدین احمد هروی، ۱۹۲۷ م: ۱۴۵). پس تردیدی نمی‌ماند که سراینده این دو قصیده همان عبید دربار خلجیان و تغلق‌شاهیان است، نه عبید زاکانی.

۲. سبک شعر

سبک اشعار عبید مجموعه لطایف با اشعار عبید زاکانی شباهت‌ها و تفاوت‌هایی دارد. به برخی از شباهت‌ها پیشتر اشاره شد. در اینجا به تفاوت‌ها می‌پردازیم. در آغاز باید گفت عبید زاکانی شاید در بررسی‌ای مستقل شاعری توانا به حساب آید، اما در مقایسه با فحول شعرای فارسی‌سرا هنرش درخشش چندانی ندارد. نه در قصایدش از قدرت انوری و خاقانی نشانی هست، نه در غزلیاتش از هنر سعدی و حافظ و نه در مثنوی‌اش به قدرت روایت نظامی نزدیک می‌شود. در منظومه‌ای با چندین خورشید، ستاره خرد عبید تنها سوسویی می‌زند.

با این همه شعر او پخته است و به قول قدما از رکاکت لفظ و معنی عاری است. در ۲۱ غزل آمده در مجموعه لطایف، غث و سمین بسیار است. در این مجموعه گاه با ابیاتی مواجه می‌شویم که نظیرش در دیوان عبید زاکانی یافت نمی‌شود:

مده پند ای معلم جان من بین
کجا افتاده یکدار ما را
(سیف جام، مجموعه لطایف، کابل: ص ۴۸۷؛ همان، لندن: گ ۲۷۲ ر)
اگر بود از ما پریشانی‌ای
شما جمع باشید و ما می‌رویم
(همان، کابل: ۴۸۸؛ همان، لندن: گ ۲۷۳ ر)

خواهم به زبان خود گویی سخنی با من
ای چه سخنی گفتن یارب چه زبان دارم^۱
(همان، کابل: ۴۸۹؛ همان، لندن: گ ۲۷۳ ر)
از نظر زبان نیز تفاوت‌هایی بین اشعار این دو دیده می‌شود. برای نمونه در دو غزل از مجموعه لطایف «آغوش» - در هر دو دستنویس کابل و لندن (همان، کابل: ص ۴۸۵؛ همان، لندن: گ ۲۷۱ پ) - آمده است؛ حال آنکه عبید زاکانی «آغوش» را به کار می‌برده است (عبید زاکانی، ۱۹۹۹ م: ۵۵).

همچنین در این اشعار منسوب به عبید تصاویری هست که در سراسر کلیات عبید زاکانی بی‌نظیر است:
در سایه دیوار تو می‌خواستم افتاد
گر نقش رقیب از بن دیوار نبود
(سیف جام، مجموعه لطایف، کابل: ص ۴۸۵؛ همان، لندن: گ ۲۷۱ پ)

مرا بوسیدن پایش تمناست
ندارم بخت آن کاید در آغوش^۲
قدح گل می‌کند اکنون که مجلس
گلستان گشت از آن سرو قباپوش
(همان، کابل: ص ۴۸۵؛ همان، لندن: گ ۲۷۱ پ)
به اطمینان می‌توان گفت تعبیر و تصاویری مشابه «در سایه دیوار افتادن»، «نقش رقیب از بن دیوار بودن» و «قدح گل کردن» در شعر عبید زاکانی نیامده است.

۱. در دستنویس کابل «دارم من» آمده است و «من» را خط زده‌اند.
۲. در دستنویس کابل «ندارم بخت کان آید در آغوش» و بر روی مصرع خط کشیده‌اند.

بیشتر آمد که شاعر ۲۱ غزل منسوب شده به عید زاکانی در مجموعه لطایف خود را «بیچاره عید»، «عید خسته» و... خوانده است و همانطور که نشان داده اند (شریفی صحنی، ۱۳۹۹: ۱۱۹) عید زاکانی نیز بارها در غزلیاتش خود را با صفاتی چنین وصف کرده است: «بیچاره عید» (عید زاکانی، ۱۹۹۹م: ۱۰۶)، «عید بیچاره» (همان: ۱۱۰)، «مسکین عید» (همان: ۹۳، ۱۰۰، ۱۰۶)، «عید واله و شیدا» (همان: ۱۱۴) و «عید بی‌نوا» (همان: ۸۷). اما این مختص عید نیست. در شعر دیگر شاعران نیز می‌توان چنین تعبیری را دید. برای نمونه، عصار تبریزی (د. پس از ۷۸۴ق)^۱، شاعر هم‌عصر عید، در غزلیاتش بارها خود را به صفاتی مشابه وصف کرده است: «عصار مسکین» (ایمانی، ۱۳۹۴: پنجاه و شش)، «عصار نحیف» (همان: شصت و هفت)، «عصار حزین» (همان: هفتاد و شش، هشتاد و نه)، «عصار تیره‌حال» (همان: هفتاد و هشت). این اوصاف و نظایرش نمی‌تواند ویژگی متمایز شعر عید زاکانی به حساب آید. آنچه درباره مردف بودن اشعار عید زاکانی آورده اند نیز ویژگی متمایز نمی‌تواند بود.

از آنچه گذشت می‌توان گفت به طور قطع دو قصیده آمده به نام عید در مجموعه لطایف از عید زاکانی نیست. به تبع آن انتساب غزل‌های آمده به نام عید در مجموعه لطایف به عید زاکانی نیز سست می‌شود. در عین برخی مشابهت‌ها، آنقدر تفاوت بین این اشعار و غزل‌های قطعی عید زاکانی دیده می‌شود که می‌توان آنها را از شاعری دیگر دانست. به گمان ما، کاتبان دو دستنویس کابل و لندن هوشمندانه این نکته را رعایت کرده بوده‌اند و اشعاری را که به نام عید زاکانی بوده - جز دواستثناء در دستنویس کابل - با نسبت «زاکانی» و اشعاری را که از عید دیگر بوده است، تنها به نام «عید» آورده‌اند.

دو نکته افزوده

۱. علاءالدین و نوادر الامثال

در بالا نامی از علاءالدین و نوادر الامثال به میان آمد. اما

۱. در اشعار به‌جامانده از عصار تبریزی نشانی از مدح سلاطین در دست نیست، اما او را از قدیم - همانند عید زاکانی - مداح سلطان اویس جلایر (حک ۷۵۷-۷۷۶ق) می‌دانند (مجدی، ۱۳۴۲: ۹۲۲؛ سلیم بهویالی، ۱۳۹۰: ۶۱۹).

او کیست؟ عباس اقبال، که نخستین بار این حدس را مطرح کرده، در توضیح آن نوشته است:

عید رساله نوادر الامثال خود را که کتابی است جدی و به زبان عربی شامل اقوال انبیا و اشعار و امثال به شخصی تقدیم نموده است که او را در مقدمه به چنین القابی یاد می‌نماید: «المخدوم صاحب القرآن الاعلى اعظم مستخدم ارباب السيف والقلم ملك الوزراء فى العالم علاء الحق و الدين محمد عضد السلاطين و مغیث المظلومين و الملهوفين اعلى الله تعالى شأنه و اعز انصاره و اعوانه.

در اشعار عید مدیحه‌ای از این خواجه علاءالدین محمد وزیر دیده نمی‌شود، لیکن در رساله دلگشای او ظریفه‌ای راجع به او و یکی از غلامانش هست. ظاهراً غرض از این خواجه علاءالدین محمد وزیر همان علاءالدین محمد مستوفی پسر خواجه عمادالدین فریومدی خراسانی است که ابتدا از مستوفیان زیردست خواجه رشیدالدین فضل‌الله وزیر بوده و پس از آنکه سلطان ابوسعید در سال ۷۲۷ وزارت خود را به خواجه غیاث‌الدین محمد پسر خواجه رشیدالدین فضل‌الله واگذاشت، این خواجه علاءالدین محمد مستوفی را هم با او در وزارت شریک نمود، لیکن پس از شش ماه او را به وزارت خراسان فرستاد و خواجه غیاث‌الدین در صدارت مستقل گردید.

خواجه علاءالدین محمد در وزارت خراسان برجا بود تا آنکه در حدود ۷۳۷ دولت او به دست سربداران سبزووار برافتاد.^۲ هیچ معلوم نیست که عید در چه وقت و کجا به خدمت این خواجه علاءالدین محمد راه یافته و کتاب «نوادر الامثال» خود را به او تقدیم داشته است. چنین می‌نماید که این کار در همان دوره کوتاهی که علاءالدین محمد با غیاث‌الدین محمد رشیدی در وزارت ابوسعید شریک بوده، یعنی در سال ۷۲۷ صورت گرفته باشد، چه از آن به بعد علاءالدین محمد همواره در خراسان می‌زیسته و به نظر نمی‌آید که عید به آن سرزمین رفته باشد. (اقبال، ۱۳۲۱: ح-ط)

ما در «رساله دلگشا» چنین اشاره‌ای ندیدیم. آنچه در این رساله آمده است «علی‌الدین محمد» در چاپ‌های فرته و حلبی (عید زاکانی، ۱۳۰۳ق: ۱۲۲؛ همو، ۱۳۷۴: ۱۸۸)، و «غیاث‌الدین محمد» در چاپ‌های دادعلیشایف و

۲. مجمل فصیحی زمان قتل او را «چهارشنبه سابع عشرین شعبان» ۷۴۲ق نوشته است (فصیح خوافی، ۱۳۸۶: ۹۲۶/۲).

نیز اشاره‌ای کنیم. در درازای زمان آثار بسیاری را از عبید دانسته‌اند، در تذکره‌ها رساله‌ای در معانی و بیان^۲ را به عبید نسبت داده‌اند، هرچند بعدتر این انتساب در منابع دیگر همانند مقدمه منتخب لطایف (عبید زاکانی، ۱۳۰۳ق: ۳)، تاریخ ادبی ایران (براون، ۱۳۳۹: ۲۳۰/۲-۲۴۵) و تاریخ ادبیات فارسی (اته، ۱۳۵۶: ۱۱۸-۱۱۹) به تکرار آمده‌است، اما به احتمال این از خطاهای تذکره‌نویسان است. آثار دیگری نیز به عبید منسوب کرده‌اند. برای نمونه میرزا عبدالله افندی در ریاض العلماء و حیاض الفضلاء رساله‌ای در مقامات فارسی را از عبید دانسته‌است (افندی، ۱۴۰۳ق: ۲۹۳/۳ رک. اقبال، ۱۳۲۱: یز-یح).^۳ تذکره‌نویسان درباره تعداد اشعار او اعداد بسیار متفاوتی با آنچه امروز از کلیات عبید می‌شناسیم به دست داده‌اند. در عرفات العاشقین (تألیف ۱۰۴۰ق) و مجمع النفائس (تألیف ۱۱۶۴ق) کلیات او را «قریب دوازده هزار بیت» (اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹: ۲۷۵۶/۵؛ آرزو، ۱۳۸۵: ۲/۱۰۲۵) و در لطایف الخیال (تألیف ۱۰۷۶-۱۰۷۸ق) اشعارش را «پانزده هزار بیت» (دارابی، ۱۳۹۱: ۳۸۷/۲) نوشته‌اند. هرچند این ادعاها و ارقام در سنت تذکره‌نویسی فارسی چندان عجیب نمی‌نماید، اما نشانه‌هایی در دست هست که شاید بتوان بر اساس آنها به از میان رفتن برخی اشعار عبید حکم کرد.

علی بن احمد در مجموعه‌اش قطعه‌ای دوبیتی در هزل آورده‌است که هرچند در کلیات عبید نیست، شباهت بسیار به سبک وی دارد:

خواجه از فرط بزرگی همچون شد... که دماغ [کذا]
لاجرم بهر بزرگان... نجنباند ز جا
راستی وضع بزرگی... من دارد که او
چون ببیند کودکی از دور برخیزد به پا
(علی بن احمد، جنگ، دانشگاه تهران: ۱۹۱)^۴

همچنین بسحق اطعمه و نظام قاری مطلعی به نام عبید

۲. برخی تذکره‌ها رساله را در «بیان» دانسته‌اند (دولتشاه سمرقندی، ۱۳۸۲: ۲۸۸؛ امین احمد رازی، ۱۳۷۸: ۲/۱۳۲۱؛ اوحدی بلیانی، ۱۳۸۹: ۵/۲۷۵۴-۲۷۵۵). پیشتر اته به این تفاوت توجه کرده‌است (اته، ۱۳۵۶: ۱۱۸).
۳. ما در جای دیگر به تفصیل به مهم‌ترین آثار منسوب به عبید زاکانی خواهیم پرداخت.
۴. این دو بیت از چاپ این جنگ، با عنوان جنگ اشعار شیعی (علی بن احمد، ۱۳۹۸)، حذف شده‌است.

محبوب است (همو، ۱۹۹۱م: ۲۱۱؛ همو، ۱۹۹۹م: ۳۱۴). آیا احتمال دارد که با توجه به دستنویس‌های «مغلوط و پریشان» «نوادراامثال» (محبوب، ۱۹۹۹م: XXVIII؛ حلبی، ۱۳۸۳: ۲۸۰)،^۱ اشتباهی در ثبت نام این وزیر رخ داده باشد؟ مثلاً ممکن است نام صحیح او همین «غیاث‌الحق و الدین محمد» وزیر ابوسعید (مقتول ۷۳۶ق) بوده باشد که عبید باز هم ذکر او و پدرش، خواجه رشیدالدین فضل‌الله، را در آثارش آورده‌است (عبید زاکانی، ۱۹۹۹م: ۲۸۴، ۳۱۳، ۳۱۴). عبید زاکانی در قطعه‌ای که بیتی از آن در بالا نقل شد، «خواجه علاء» یا «خواجه عماد» را به وساطت برانگیخته‌است:

گر خواجه تربیت نکند پیش پادشاه
مسکین عبید چون کند آخر ادای قرض؟
خواجه عماد دولت و دین آن که جز کفش
هرگز کسی نداد به گیتی سزای قرض

(همان: ۱۳۳)

در چاپ‌های دادعلیشایف و محبوب «خواجه عماد» (همو، ۱۹۹۱م: ۵۷؛ همو، ۱۹۹۹م: ۱۳۳) و در چاپ اقبال «خواجه علاء» آمده‌است (همو، ۱۳۲۱: ۷۳). کیوانی «خواجه علاء» را همان «خواجه علاء الدین محمد» دانسته که عبید «نوادراامثال» را به وی تقدیم کرده‌است (کیوانی، ۱۳۹۵: ۵۷۸)، اما احتمالاً همان «خواجه عماد» صحیح است. در تاریخ‌های آن عصر، حداقل یک نفر را با نام «خواجه عمادالدین محمود کرمانی» می‌شناسیم که از «دُهاات ارکان دولت» شاه شیخ بوده‌است (حافظ ابرو، ۱۳۸۰: ۲۷۲/۱). بنابراین عبید او را می‌شناخته و می‌توان این را دلیلی دانست بر صحت ضبط «عماد».

۲. آیا همه آثار عبید به ما رسیده‌است؟

از آنجا که موضوع نوشته حاضر اشعار منسوب به عبید زاکانی بود، بی‌روی نیست اگر به دیگر آثار منسوب به او

۱. مصححان در دو یا سه دستنویس این رساله را دیده‌اند. محبوب آن را در دستنویس وین (دستنویس هفتم چاپ خود؛ محبوب، ۱۹۹۹م: LXXX)، و دستنویس موزه بریتانیا (دستنویس نهم چاپ خود؛ همان: LXXXIV) نشان داده‌است، و حلبی، از همین دستنویس موزه بریتانیا و اگر دچار اشتباه نشده باشد، از دستنویسی از کتابخانه پاریس در تصحیح این متن بهره برده‌است (حلبی، ۱۳۷۴: ۸).

آورده‌اند که آن را هم در دیوان‌های در دسترس نیافتیم:

جمال یار و اشک من گل است آن و گلاب است این
وصال او و فکر ما خیال است آن و خواب است این
(بسحق اطعمه، ۱۳۸۲: ۱۷۷؛ نظام قاری، ۱۳۰۳: ق. ۱۰۴)

یا حکیم شاه‌محمد قزوینی در ترجمه خود از مجالس
النفائس امیر علیشیر نوایی^۱ ذیل میر مرتاض، آورده‌است:
چنانکه مولانا عبید زاکانی گفته «و سادات بلا یک ذره
عقل». (امیرعلیشیر نوایی، ۱۳۶۳: ۲۶۷)

این مصرع (?) را نیز در کلیات عبید نیافتیم. از آنچه
گذشت می‌توان احتمال داد که عبید اشعار دیگری نیز
داشته که به ما نرسیده‌است.

بعدالتحریر

در فاصله تألیف تا انتشار نوشته حاضر، مقاله‌ای دیگر از
شاه‌مرادی، یاحقی و نوشاهی منتشر شد. در مقاله ایشان
بیتی تازه از عبید زاکانی در این سفینه معرفی شده‌است:

نه همچو مور میان بسته روز و شب گردد
برای ریزه نانی که زهر مار کند

(شاه‌مرادی، یاحقی و نوشاهی، ۱۳۹۹: ۱۵۵)

بیت از قصیده‌ای است که ما آن را در جدول خود در ردیف
۴ فهرست کرده‌ایم. این بیت جز دستنویس لندن، که مقاله
شاه‌مرادی و همکارانش بر اساس آن نوشته شده، در
دستنویس کابل نیز، با تفاوتی، آمده‌است (سیف جام، مجموعه
لطایف، کابل: ص ۱۳۵). به رغم این، دستنویس‌های کهن دیوان
عبید فاقد آن هستند. افزون بر این «زهر مار کردن» در نظم
و نثر عبید نیامده‌است و این کنایه در شعر فارسی سده
هشتم، خاصه در شعر شاعران شیراز، شهری که عبید
سال‌ها در آن زیسته، شاذ است. به گمان ما در انتساب این
بیت به عبید زاکانی نباید جانب احتیاط را از دست داد.

منابع

- آرزو، سراج‌الدین علی‌خان (۱۳۸۵). مجمع النفائس. ج ۲.
به‌کوشش مهرنور محمدخان، با همکاری زینب‌النساء

۱. این ترجمه در ۹۲۹ق و در استانبول و در دربار عثمانی انجام یافته‌است.
مترجم، همانند عبید، به قزوین منتسب است (رک. حکمت، ۱۳۶۳: ل-لج).

- علی‌خان. اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- اته، هرمان (۱۳۵۶). تاریخ ادبیات فارسی. ترجمه با
حواشی رضازاده شفق. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- افشار، ایرج (۱۳۸۴). «چاپ نسخه‌برگردان مخطوطات
(طرح مقدماتی)». آینه میراث، س ۳، ش ۲: ۴۱-۶۲.
- افندی، میرزا عبدالله (۱۴۰۳ق). ریاض العلماء و حیاض
الفضلاء. ج ۳. عنی به السید محمود المرعشی، السید
احمد الحسینی. قم: مکتبه المرعشی النجفی.
- اقبال، عباس (۱۳۲۱). ← عبید زاکانی، ۱۳۲۱ (مقدمه)
- امیر خسرو دهلوی (۱۹۲۷م). خزائن الفتوح. به تصحیح و
تحمیه سید معین الحق. علی‌گه: بی‌نا.
- امیرعلیشیر نوایی (۱۳۶۳). مجالس النفائس. به سعی و
اهتمام علی اصغر حکمت. تهران: منوچهری.
- امین احمد رازی (۱۳۷۸). هفت اقلیم. تصحیح و تعلیقات
سید محمدرضا طاهری (حسرت). ج ۲. تهران: سروش.
- اوحدی بلیانی (۱۳۸۹). عرفات العاشقین و عرصات
العارفین. ج ۵. به تصحیح ذبیح‌الله صاحبکاری، با
همکاری آمنه فخر احمد. با نظارت علمی محمد
قهرمان. تهران: میراث مکتوب.
- ایمانی، بهروز (۱۳۹۴). ← عصار تبریزی، ۱۳۹۴ (مقدمه)
- بدآونی (۱۳۸۰). منتخب التواریخ. ج ۱. به تصحیح مولوی
احمدعلی صاحب. با مقدمه و اضافات توفیق هـ.
- سبحانی. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- برنی، ضیاءالدین (۱۸۶۲م). تاریخ فیروزشاهی.
به تصحیح مولوی سید احمدخان صاحب و اهتمام
کاپیتان ولیم ناسولیس، مولوی کبیرالدین احمد.
کلکته: بیتست میشن پریس.
- براون، ادوارد (۱۳۳۹). تاریخ ادبیات ایران (از سعدی تا
جامی). ترجمه و حواشی علی اصغر حکمت. تهران: ابن‌سینا.
- بسحق اطعمه شیرازی (۱۳۸۲). کلیات. تصحیح منصور
رستگار فسایی. تهران: میراث مکتوب.
- بدر خزانه‌ای بکری بلخی. شرح مخزن الاسرار.
دستنویس ش ۹۳۱ کتابخانه مجلس شورا. کتابت ۱۲۴۲ق.
- حافظ ابرو (۱۳۸۰). زبدة التواریخ. ج ۱. مقدمه، تصحیح و
تعلیقات سید کمال حاج سیدجوادی. تهران: وزارت
فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حکمت، علی اصغر (۱۳۶۳). ← امیرعلیشیر نوایی،
۱۳۶۳ (مقدمه)
- حلبی، علی اصغر (۱۳۸۳). ← عبید زاکانی، ۱۳۸۳ (مقدمه)

- خیام‌پور، عبدالرسول (۱۳۶۸). فرهنگ سخنوران. ج ۲. تهران: طلایه.
- دارابی، حکیم مولی شاه محمد بن محمد (۱۳۹۱). لطایف الخیال. ج ۲. تصحیح یوسف بیگ باباپور. قم: مجمع ذخائر اسلامی.
- دولت‌شاه سمرقندی (۱۳۸۲). تذکرة الشعراء. به اهتمام و تصحیح ادوارد براون. تهران: اساطیر.
- سپهرندی، یحیی بن احمد (۱۳۸۲). تاریخ مبارک‌شاهی. به تصحیح محمد هدایت حسین. تهران: اساطیر.
- سلیم بهوپالی (۱۳۹۰). صبح گلشن. مقدمه، تصحیح، تکمیل و تحشیه مجتبی برزآبادی فراهانی. تهران: اوستا فراهانی.
- سیف جام هروی. مجموعه لطایف و سفینه ظرایف. دستنویس ش Or. 4110 کتابخانه بریتانیا. بی تا، بی کا.
- مجموعه لطایف و سفینه ظرایف. دستنویس ش ۱۴۰۷۶۱ آرشیو ملی افغانستان. بی تا، بی کا.
- شاه‌مرادی، امید و محمدجعفر یاحقی و عارف نوشاهی (۱۳۹۸). «نقد عرفات العاشقین با تکیه بر مجموعه لطایف و سفینه ظرایف». متن‌شناسی ادب فارسی، س ۱۱، ش ۴۳ (پاییز): ۲۵-۴۱.
- (۱۳۹۹). «ابیات نویافته شاعران در مجموعه لطایف و سفینه ظرایف و اشارهای به اهمیت این اثر». شعرپژوهی (بوستان ادب)، س ۱۲، ۲ (پای ۴۴؛ تابستان: ۱۴۱-۱۷۰).
- شریفی صحرایی، محسن (۱۳۹۹). «اشعار نویافته عید زاکانی در مجموعه لطایف و سفینه ظرایف». گزارش میراث، ش ۸۲-۸۳ (بهار-تابستان ۱۳۹۷؛ انتشار: بهار ۱۳۹۹): ۱۱۶-۱۲۰.
- عید زاکانی (۱۹۹۱ م). آثار. با تصحیح و مقدمه جابلقا دادعلیشایف. زیر نظر اصغر جانفدا، اعلاخان افصح‌زاد. دوشنبه: نشریات دانش، آکادمی علوم جمهوری شوروی تاجیکستان، انستیتوی شرق‌شناسی.
- (۱۳۷۴). اخلاق الاشراف. تصحیح و توضیح علی اصغر حلبی. تهران: اساطیر.
- (۱۳۸۳). رساله دلگشا به انضمام رساله‌های تعریفات، صد پند و نوادر الامثال. تصحیح و ترجمه و توضیح علی اصغر حلبی. تهران: اساطیر.
- (۱۹۹۹). کلیات عید زاکانی. به کوشش محمدجعفر محبوب. زیر نظر احسان یارشاطر. نیویورک: Bibliotheca Persica Press.
- (۱۳۲۱). کلیات عید زاکانی. به تصحیح و اهتمام عباس اقبال آشتیانی. تهران: نشریات مجله ارمان.
- (۱۳۰۳ ق). منتخب لطایف مولانا نظام‌الدین عید زاکانی. با مقدمه فرته. استانبول: مطبعة ابوالضیاء توفیق‌بگ.
- عصار تبریزی (۱۳۹۴). مهر و مشتری (تصویر دستنویس کتابخانه عارف حکمت مدینه). پژوهش بهروز ایمانی. تبریز: آیدین.
- علی بن احمد. جنگ. دستنویس ش ۳۵۲۸ کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. کتابت ۸۴۴ ق.
- (۱۳۹۸). جنگ اشعار شیعی سده ۹-۱۱ ق. تحقیق و تصحیح زهرا پارسا پور و اکرم کرمی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- غنی، قاسم (۱۳۸۳). تاریخ عصر حافظ: بحث در آثار و افکار حافظ. ج ۱. تهران: زوار.
- فرشته، محمد قاسم بن غلامعلی (۱۳۸۷). تاریخ فرشته. ج ۱. تصحیح و تعلیق و توضیح و اضافات محمدرضا نصیری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- فصیح خوافی (۱۳۸۶). مجمل فصیحی. ج ۲. مقدمه، تصحیح و تحقیق محسن ناجی نصرآبادی. تهران: اساطیر.
- قزوینی، محمد (۱۳۶۳). یادداشت‌های قزوینی. ج ۹. به کوشش ایرج افشار. تهران: دانشگاه تهران.
- کیوانی، مجدالدین (۱۳۹۵). «عید زاکانی». در: دانشنامه زبان و ادب فارسی. ج ۳. زیر نظر اسماعیل سعادت. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی. ص ۵۷۶-۵۸۲.
- مجدی، محمد بن ابی طالب (۱۳۴۲). زینت المجالس. تهران: سنایی.
- محبوب، محمدجعفر (۱۹۹۹ م) ← عید زاکانی، ۱۹۹۹ م (مقدمه)
- نظام‌قاری (۱۳۰۳ ق). دیوان البسه. با مقدمه و فرهنگ لغات میرزا حبیب اصفهانی. استانبول: مطبعة ابوالضیاء.
- نذیر احمد (۱۳۷۳). «شعراي گمنام عصر خلجی و تغلق». ترجمه سید حسن عباس. در: نامواره دکتر محمود افشار. ج ۸. گردآورنده ایرج افشار، کریم اصفهانیان. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار. ص ۴۵۳۵-۴۵۶۸.
- نظام‌الدین احمد هروی (۱۹۲۷ م). طبقات اکبری. ج ۱. به تصحیح و تنقیح بی - دی، ام - ای، آئی - سی - اس. بنگال: ایشیاتک سوسایتی.
- نوشاهی، عارف (۱۳۷۸). «مجموعه لطایف و سفینه ظرایف: منبعی کهن در شعر فارسی و صنایع ادبی». معارف، دوره ۱۶، ش ۴۶: ۵۰-۶۵.

ردیف	مصراع نخست	قسم در دستنویس کابل	عنوان و نشانی شعر، دستنویس کابل	قسم در دستنویس لندن	عنوان و نشانی شعر، دستنویس لندن	کلیات
۱	ق: صبحدم کز حد خاور...	قسم ۵: اشعار شعرا ص ۶۰-۲۱۹	خواجه عید زاکانی راست علیه الرحمه ص ۱۳۰-۱۳۱	قسم ۵: در اشعار ک ۱۱۲-۳۳۳ر	خواجه عید زاکانی ^۱ فر ماید رحمه الله ک ۶۶-۶۶پ	د
۲	ق: ترکم چو قصد جان و..	↑	وله ص ۱۳۱-۱۳۲	↑	وله گ ۶۶پ-۶۷ر	د
۳	ق: باز به صحرا رسید...	↑	وله ص ۱۳۲-۱۳۴	↑	وله گ ۶۷پ-۶۷ر	د
۴	ق: چو صبح رایت خر شید...	↑	وله ص ۱۳۴-۱۳۶	↑	وله گ ۶۷پ-۶۸ر	د
۵	ق: ای کمال سلطنت...	↑	خواجه عید راست ص ۱۶۳-۱۶۴	↑	عید فر ماید رحمه الله علیه گ ۸۴پ	ن
۶	ق: شکر ایزد را که...	↑	وله ص ۱۶۴-۱۶۵	↑	مولانا عید رحمه الله علیه فر ماید گ ۸۵ر	ن
۷	ت: وقت آن شد که کار درایم	قسم ۷: ترجیع ص ۲۲۶-۳۱۲	صفحات حاوی شعر افتاده است ^۲	قسم ۷: ترجیع گ ۱۱۵-۱۵۲پ	خواجه عید زاکانی فر ماید گ ۱۴۸پ-۱۴۹پ ^۲	د
۸	غ: چون دهانش نیست..	قسم ۸۵: در غزلیات ص ۳۹۴-۵۰۶	خواجه عید راست علیه الرحمه ص ۴۸۵	قسم ۸۴: غزلیات گ ۲۲۸پ-۲۸۲ر	بدون عنوان گ ۲۷۱پ	ن
۹	غ: ای کاش که با عشق توهم کار نبودی ^۳	↑	وله ص ۴۸۵	↑	بدون عنوان گ ۲۷۱پ	ن

۱. اصل: رایکانی.
۲. این ترجیع بند در کلیات عید زاکانی هفت بند دارد که از دستنویس لندن بند پنجم آن افتاده است. بیت ترجیع این ترجیع بند چنین است: با معان بادهٔ معانه خوریم / تا به کی غصهٔ زمانه خوریم؛ اما این ترجیع بند در دستنویس لندن بیتی دیگر نیز، با وزنی متفاوت، در جای بیت ترجیع دارد: ترک همه کار بار گیرم / دنبالهٔ آن نگار گیرم. این بیت افزوده همراه با بیت اصیل (با معان باده...) در بندهای اول و دوم، و به تنهایی در بندهای سوم، چهارم و ششم آمده است.
۳. در تصویری که ما از دستنویس کابل داریم، بخشی که این ترجیع بند را در بر داشته، از ص ۲۹۶ تا ص ۳۱۱، افتاده، اما در دستنویس لندن موجود است (سیف جام، مجموعه لطایف، لندن: گ ۱۲۸پ-۱۴۹پ).
۴. لندن: ای کاش که با عشق تو مرا [کذا] کار نبودی.

ن	بدون عنوان گ ۲۷۱۱ پ	↑	وله ص ۴۸۵-۴۸۶	↑	غ: مگر گفت کسی...	۱۰
ن	بدون عنوان گ ۲۷۱۱ پ- ۲۷۲۲ ر	↑	وله ص ۴۸۶	↑	غزل: نه در بالین هم آگوشی...	۱۱
ن	بدون عنوان گ ۲۷۲۲ ر	↑	وله ص ۴۸۶	↑	غ: اگر خواهم ترا سر مست... ^۵	۱۲
ن	بدون عنوان گ ۲۷۲۲ ر	↑	وله ص ۴۸۷-۴۸۶	↑	غ: دل ز هر عاشق...	۱۳
ن	بدون عنوان گ ۲۷۲۲ ر- ۲۷۲۲ پ	↑	وله ص ۴۸۷	↑	غ: نبیند هیچ وقتی...	۱۴
ن	بدون عنوان گ ۲۷۲۲ پ	↑	وله ص ۴۸۷	↑	غ: نخوانی بر خودم...	۱۵
ن	بدون عنوان گ ۲۷۲۲ پ	↑	وله ص ۴۸۷-۴۸۸	↑	غ: از چرخ دور خوشدلی...	۱۶
ن	بدون عنوان گ ۲۷۲۲ پ- ۲۷۲۲ ر	↑	وله ص ۴۸۸	↑	غ: زان لب که قصد خونی...	۱۷
ن	بدون عنوان گ ۲۷۲۲ ر	↑	وله ص ۴۸۸	↑	غ: رفیقان ز شهر شما...	۱۸
ن	بدون عنوان گ ۲۷۲۲ ر	↑	وله ص ۴۸۸-۴۸۹	↑	غ: نه نامه فرستی نه...	۱۹
ن	بدون عنوان گ ۲۷۲۲ ر- ۲۷۲۲ پ	↑	وله ص ۴۸۹	↑	غ: دردی است مرا دل خواهم...	۲۰
ن	بدون عنوان گ ۲۷۲۲ پ	↑	وله ص ۴۸۹	↑	غ: دردی است مرا در دل گفتی...	۲۱

۵. کابل: اگر خواهم ترا سر مست باری/ دگر بینم ترا پیوست باری، در دستنویس لندن مصرع دوم با قافیه غلط ضبط شده است: دگر بینم ترا در عیش باری.

